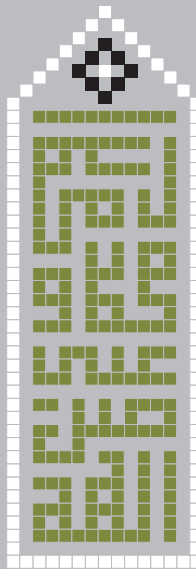


اسماء الوحيين



سرشناسه: طاهایی، سیدجواد، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور: امام: از تکوین ایران تا تأسیس نظام جمهوری؛
(نظریه منبایی جمهوری اسلامی ایران) / سیدجواد طاهایی؛
[به سفارش پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی با همکاری مرکز مطالعات راهبردی ژرفا].
مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: سیزده، ۲۴۰ ص. یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۳۷ - ۲۴۰.
شابک: ۹-۵۱۳۵-۰۳-۶۰۰-۹۷۸

موضوع: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸ -
Iran -- History -- Islamic Republic, 1979-

ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷
Iran -- History -- Islamic Revolution, 1979

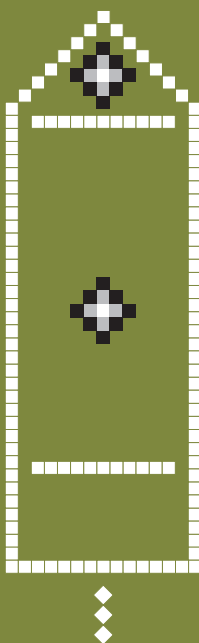
خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۶۸-۱۲۷۹.
Khomeyni, Ruhollah, Leader and Founder of IRI

Views on Islamic Republic دیدگاه درباره جمهوری اسلامی
Views on Islamic revoution دیدگاه درباره انقلاب اسلامی
Views on liberty دیدگاه درباره آزادی

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری. پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی
شناسه افزوده: مرکز مطالعات راهبردی ژرفا
رده‌بندی کنگره: ۵/DSR.۱۵۷۴ رده‌بندی دیویی: ۸۴۲/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۸۰۴۰۶

امام؛
از تکوین ایران تا
تأسیس نظام جمهوری
(نظریهٔ مبنایی جمهوری اسلامی ایران)

سید جواد طاهایی





انتشارات سوره مهر

وابسته به حوزه هنری

www.sooremehr.ir

تهران، خیابان حافظ،

خیابان رشت، شماره ۲۳،

صندوق پستی: ۱۷۸۱۱-۱۵۹۱۸

سامانه پیامک: ۳۰۰۵۳۱۹

تلفن: ۶۱۹۴۳

فکس: ۶۶۴۶۹۵۱

تلفن مرکز پخش: (۵ خط)

۶۶۴۶۰۹۹۳

نشانی پژوهشکده:
تهران، خیابان سمیه،
حوزه هنری،
پژوهشکده
فرهنگ و هنر اسلامی
کد پستی: ۱۵۹۹۷۱۹۵۱۲
شماره تماس: ۸۸۸۹۶۳۳
۰۹۱۰۸۱۰۲۴۲۸



با اسکن
رمزنامه از
دیگر آسان
پژوهشکده
آگاه
شوید



مرکز مطالعات راهبردی ژرفا

پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی
با همکاری مرکز مطالعات راهبردی ژرفا

امام؛
از تکوین ایران تا تأسیس نظام جمهوری
(نظریهٔ مبنایی جمهوری اسلامی ایران)

سید جواد طاهایی

طراح جلد و گرافیک: صادق جمالی
صفحه آرا: احمد الهی

چاپ، صحافی و لیتوگرافی: بیکان

چاپ نخست: ۱۴۰۳

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳-۵۱۳۵-۹

کتاب هادر زمین ریشه دارند

طبق تقاضای نامۀ انتشارات سوره مهر و سازمان منابع طبیعی
بخشی از عواید فروش این کتاب به کاشت درخت اختصاص دارد.



نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

سوره مهر / ساحل:

تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۳،
اصفهان، میدان انقلاب، سینما ساحل، کد پستی ۸۱۳۳۶۱۴۵۱۱
تلفن: ۶۱۹۴۲، دورنگار: ۶۶۴۶۹۵۱

سوره مهر / کوهسنگی:

تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ،
جنب حوزه هنری، شماره ۲۴۵، تلفن: ۸۸۹۴۹۷۹۱-۲
مهر کوهسنگی، طبقه ششم، تلفن: ۰۵۱-۳۸۴۹۱۵۸ و ۰۵۱-۳۸۴۹۷۱۵۸

سوره مهر / شینا:

تهران، میدان انقلاب، جنب سینما بهمن،
شماره ۱۰۳
همدان، آرامگاه بوعلی سینا، پیاده‌راه بوعلی،
جنب پردیس سینمایی مهر قدس، کد پستی: ۶۵۱۶۶۸۲۸۷۷
تلفن: ۶۶۴۷۶۵۶۸-۹ و ۰۸۱-۳۲۵۲۵۶۱۳ و ۰۸۱-۳۲۵۲۹۵۰۱



این کتاب را اگر قابل باشد،
به پیشگاه دوست شهیدم
سیده‌ادی بندی سرشک اعزامی از نوشهر، شهادت ۱۳۶۰
تقدیم می‌کنم که در وصیت‌نامه‌اش آورده بود:
«من در راه جاودانه‌ای گام نهاده‌ام که انتهای آن حاکمیت مستضعفین بر جهان است».

به امید گوشه چشمی



فهرست مطالب



- ۸ پیش‌گفتار پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی
۱۰ مقدمه نویسنده
۱۴ اشاره



- ۲۱ فصل نخست؛ مقدمه تحلیلی
۲۸ نظریه ایران، عرصه مبارزه برای تملک آینده
۳۰ شاه، سیاست است یا فرهنگ؟
۳۳ قضاوت تأملی
۳۴ انقلاب ۵۷، آغازی فلسفی
۳۸ ندانستن؛ بزرگ‌ترین دانایی



- ۴۳ فصل دوم؛ کمی درباره نظریه
۴۴ انقلاب و تفکر
۴۶ در دفاع از نظریه موسع
۴۷ محدودیت نظریه پردازی دانشگاهی
۵۰ نظریه باید مابعد تجربه باشد



- ۵۵ فصل سوم؛ پیش شرط‌های نظریه مبنایی
۵۶ نظریه مبنایی نمی‌تواند یک تولید دانشگاهی باشد
۵۷ شناخت عمومی ایران، پیش شرط نظریه مبنایی است
۶۲ باور به «دانایی ایرانی» ناگزیر است



- ۶۵ فصل چهارم؛ نقد چند نظریه مستقر
۶۶ درک‌های مختلف از نظریه مبنای
۶۹ علیه تفکر دینی
۷۲ علیه سکولاریزم
۷۵ معنای باستانی امام علیه معاصر شاه (بحثی علیه ناسیونالیزم ایرانی)



- ۸۳ فصل پنجم؛ آنچه درون جمهوری اسلامی، ضد جمهوری اسلامی است
۸۴ جدایی ذاتی امر سیاسی و امر اقتصادی
۸۷ مشارکت علی (ع) در میثت تجمل‌گرایی رؤسا
۸۹ شکل جمهوری اسلامی علیه محتوای آن
۹۴ در اندیشه راه حل
۹۹ نهاد انقلابی گزینه‌ای چاره‌ناپذیر

| | | |
|--|-----|---|
| فصل ششم؛ موضوعات و عرصه‌های نظریه‌پردازی | ۱۰۵ |  |
| زوجیت بهیج | ۱۰۶ | |
| جمهوری اسلامی در ماهیت، نهضت است یا نظام؟ | ۱۰۹ | |
| جمهوریت؛ یک بازشناسی | ۱۱۱ | |
| جمهوری محرومان | ۱۱۳ | |
| ایران، مالک یا مایملک؟ | ۱۱۶ | |
| فصل هفتم؛ جمهوری اسلامی در اصل خود چیست؟ (حقایق مقدماتی) | ۱۱۷ |  |
| جمهوری اسلامی نمی‌تواند از خودش بگوید | ۱۱۸ | |
| جمهوری اسلامی هم‌زمان به رهبری اش وابسته هست و نیست! | ۱۱۹ | |
| جمهوری اسلامی چون یک راز | ۱۲۲ | |
| جمهوری اسلامی؛ امامت یا امام؟ | ۱۲۶ | |
| امام و آزادی | ۱۲۸ | |
| فصل هشتم؛ جمهوری ۵۸ و تاریخ ایران | ۱۳۱ |  |
| ایران همچون یک قرارداد | ۱۳۲ | |
| قانون اجتماع ایرانی | ۱۳۳ | |
| سیر معنوی تاریخ ایران | ۱۳۶ | |
| اجتماع همواره جمهوری | ۱۳۹ | |
| فصل نهم؛ به سوی نظریهٔ مبنایی جمهوری اسلامی | ۱۴۵ |  |
| اراده‌ای که مذهب شد، مذهبی که فرهنگ شد و فرهنگی که دولت شد | ۱۴۶ | |
| نظریهٔ آزادی جمهوری اسلامی | ۱۵۲ | |
| نظریهٔ مبنایی | ۱۵۴ | |
| ۱۶۱ جمع‌بندی: چگونه نظریهٔ مبنایی جمهوری اسلامی، نظریهٔ مبنایی ایران هم هست؟ | |  |
| ۱۸۷ ضمایم تحلیلی | | |
| ۱۸۷ ضمیمهٔ اول: امام به مثابهٔ یک انسان تحلیلی | | |
| ۱۹۱ ضمیمهٔ دوم: بیابید مذهبی نباشیم! | | |
| ۲۱۹ ضمیمهٔ سوم: قاجاریزم جدید؛ ضد انقلاب انقلاب اسلامی | | |
| ۲۳۷ منابع و مآخذ | |  |
| ۲۳۷ کتاب‌ها | | |
| ۲۴۰ نشریات | | |



پیش‌گفتار پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی



در میان اهالی اندیشه و علوم انسانی ایران، دکتر سید جواد طاهایی از شمار افراد نه‌چندان پرشماری است که در حیات علمی و مکتوبات قلمی خود پروژه‌ای مشخص و منسجم را پیگیری می‌کند. او کوشیده تا از خلال نوعی پژوهش پدیدارشناسانه فلسفی انقلاب اسلامی ۵۷، انسان آن و نظم و نظام برآمده از آن را از نو شناسایی کند و نسبت آن با ایده و تاریخ ایران را بکاود.

پیش‌تر دو کتاب پدیدارشناسی بسیجی شهید و انقلاب ۵۷ و انکشاف فلسفه تاریخ ایران به قلم دکتر طاهایی از سوی پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی منتشر شده است که مورد توجه و استقبال اهالی نظر و اندیشه قرار گرفته است. اینک جدیدترین اثر ایشان، امام؛ از تکوین ایران تا تأسیس نظام جمهوری به محضر خوانندگان گرامی تقدیم می‌شود. این رساله می‌باید در امتداد دو اثر قبلی و به‌مثابه بسط و تفصیل ایده محوری آن‌ها، یعنی تأکید بر سرشت «ایرانی» انقلاب ۵۷، خوانده شود. با این تفاوت که در اینجا وجوهی از مسئله که پیش‌تر به اجمال و اشاره طرح شده بود، تفصیل و صراحت بیشتری یافته و برخی از نتایج این تلقی در تحلیل و ارزیابی مسائل ایران پساانقلابی پیگیری شده است. طاهایی در اینجا آشکارا نسبت تحلیل خود را با مقولاتی همچون دیانت، روحانیت، بوروکراسی، توسعه و ملی‌گرایی متعارف ایرانی تشریح می‌کند.

کتاب همچون دو اثر قبلی نویسنده بدیع و خواندنی است و البته در خواندن آن می‌باید شکبیا و دقیق بود و از شتاب‌زدگی در نسبت‌دادن معانی و مقاصد به آن اجتناب کرد. احتمالاً پاره‌ای تعابیر و جملات این کتاب با بریده‌شدن از

بستر کلی بحث قابلیت ایجاد سوء تفاهم و حاشیه خواهند داشت. چنین چیزی به کلی دور از مقصود نویسنده است که می‌کوشد راهی بیابد برای ترجمه معنای عمیقاً قدسی و آسمانی انقلاب اسلامی به زبانی متفاهم برای آن بخش از ایرانیان متجدد، تحصیلکرده و میهن‌دوست که به معنای متعارف مذهبی و انقلابی نیستند. پیشنهاد ما این است که متن در کلیت آن مورد بحث و توجه قرار گیرد و از تأکید یک سویه و نکته‌گیرانه بر تک جمله‌ها صرف نظر شود.

این البته بدان معنا نیست که «کلیت» این کتاب از نظر ما می‌بایست از نقد و سنجش معاف گردد یا ایده‌های محوری آن تام و تمام است و جای خدشه و بحث علمی را ندارد. به صراحت، این کتاب کتابی «نامتعارف» است و تصور ما این است که پیش بردن بحث نظری درباره ماهیت انقلاب اسلامی که از مهم‌ترین دستور کارهای نظورزانه ماست. به خروج از تعارف و تکرار و سرک کشیدن به قلمروی «نامتعارف» نیاز دارد.

آنچه پیش روی شماست حاصل چند مرحله رفت و برگشت میان مؤلف ارجمند و گروه علمی مطالعات اجتماعی و فرهنگی انقلاب اسلامی این پژوهشکده است. آقای دکتر طاهایی با تواضع و صبوری مثال‌زدنی شماری از نکات طرح شده توسط ارزیابان متن را لحاظ و قطعاتی از آن را بازنویسی کردند. در مواردی نیز به جهت تیزماندن لبه بحث یا حفظ انسجام و یک‌دستی نظری کار صلاح‌دید ایشان بر حفظ همان صورت اولیه قرار گرفت. در هر حال، این کتابی است متعلق به پژوهشگر ارجمند، دکتر سید جواد طاهایی که پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی و شرکت انتشارات سوره‌مهر افتخار آماده‌سازی و انتشار آن را دارند. بی‌شک مذاقه و نقادی اهالی اندیشه و دانش نسبت به این اثر ارزشمند یاریگر ما و ایشان در برداشتن گام‌های بعدی خواهد بود.

گروه مطالعات اجتماعی پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی



مقدمه نویسنده



[اراده] آغازگری همچون خداست؛ مادام که در میان مردم است،

همه چیز را نجات می دهد.

(افلاطون، نقل از: آرنه، ۱۳۸۸: ۳۷۰)

۱. برخی از پژوهندگان سکولار معتقدند ایده مینا یا مرکزی تاریخ ایران و اصل سازنده ایران، شاه یا آیین شهریاری است. فعلاً بر سر این مدعا توافق می کنیم؛
۲. انقلاب چنان که برخی از نظریه پردازان گفته اند، آتشفشان است و همه چیز را از اعماق تاریخ ملی و از سطوح ناهشیار وجدان جمعی به رو می آورد و آشکار می سازد. انقلاب، انکشاف است؛

۳. آتشفشان ۵۷، مرکزیت مفهوم شاه را در تاریخ ایران آشکار ساخت؛ اما در حقیقت، نشان داد معنای شاه در تاریخ ایران و نزد ایرانیان همواره امام بوده است. انقلاب ۵۷ و تأسیس نظام ۵۸ برای ایرانیان حداقل در مقام یک نظریه، این نکته را روشن ساخت که پدرانشان طی چند هزار سال همواره از شاه چه منظور و چه ویژگی هایی در سر داشته اند.

امام همچون واسطه فردیت آزاد ایرانی با امر قدسی همواره در ناخودآگاه جمعی ایرانیان حضور داشته است؛ اما فردیت آزاد؟! امام، رهبر نیست؛ شاه

هم رهبر نبود. اگر به آگاهی‌های زمینه‌ای و عمومی خود دربارهٔ کشورمان توجه کنیم، که این کتاب نیز عمدتاً متکی بر همان دست آگاهی‌ها است، در ذهن ایرانی، بیشتر از آنکه شاه به من توجه داشته باشد، من به او توجه داشتم. من همواره به شاه، نه به عنوان واقعیت مجسم بلکه به عنوان یک امکان برانگیزاننده رجوع می‌کردم. این در حالی است که در تجربهٔ مدرن، برعکس، رهبری^۱ به فرد رجوع می‌کند و بر او تحمیل می‌شود. فرد حداقل بخشی از آزادی خود را به رهبر اعطا می‌کند و مهم‌تر از آن، از طریق او هویت می‌یابد. اما برعکس، شاه یا امام مرجوع فرد است. فرد در حالت آزادی و اختیار با امام و با همهٔ حقیقت در زمین و با هستی قرارداد متابعت می‌بندد و سیاستی متمایز شکل می‌گیرد؛ اما از سویی دیگر با آغاز کراهت فرد از تبعیت و به صرف ارادهٔ اولیهٔ فرد حضور امامت در سیاست نقض می‌شود. پس در عمل سیاسی، امامت، رهبری مرجعیت‌گونه بر افراد آزاد است. و این بوده است معنای هموارهٔ شاه در تاریخ ایران.

1. leadership

باری؛ امر بسیار عجیب در ایران ۵۷، جلوه کردن هم‌زمان سوژه آزاد ایرانی و ایدئالیسم دولت مقتدر است. این پیوند میان دو سویه ظاهراً متناقض، همواره اساس پنهان ایرانیت بوده است. همچون آرمان کهن شهریاری، اما بسیار اصیل‌تر از آن، در تاریخ ایران «امام» در اختفای خود و در عقب‌نشینی‌اش جلوه‌گر می‌شد. امام در پیدایی‌هایش پنهان بود. «جلوه کردن، عقب‌نشینی آن چیزی است که جلوه کردن را باعث شده است» (هایدگر، ۱۳۹۹: ۲۸-۲۹). این محتوای تاریخی پنهان، در بهمن ۵۷ نقض شد و امام، آشکارگی یافت. انقلاب ۵۷ روشن ساخت که در تاریخ ایران، شاه یک انتخاب مردمی آزاد بود و اینک نیز چنین است. شاه آغاز ایران و روح زایشگر همه تولیدات فرهنگ ایرانی است؛ به‌علاوه، رخداد سال ۵۷ آشکار ساخت که مراد از موضوع انتظار، نه فقط دولت مقدس بلکه عمومی‌تر از آن، سیاست (فضای عمومی) مقدس یا جمهوریت مقدس بوده است؛ یک فضای عمومی ویژه از رابطه شاه مقدس و اتباع آزاد. احتمالاً از همان آغاز، جمهوریت جنبه قدسی نیز داشته است؛ زیرا تکوین اجتماع متعهدانه و اخلاقی جز از پیامبران بر نمی‌آمده است. بدین نهج، برخلاف تصور رایج، شاه در حالت آرمانی‌اش، تحقیق است جمعی و مشارکتی و آزاد؛ واقعیتهای جمهوریتی که نمی‌تواند مرتبط با یک نهضت یا جنبش اجتماعی قدرتمند و گسترده، یا دست‌کم اندیشه آن، نباشد. ایران انتظار اجتماع شاه‌محور یا شاه‌بنیاد است؛ انتظاری که به یک نیروی اجتماعی سرنوشت‌ساز تبدیل شد و سرانجام خود را در سیاست بازآفرید. به عبارت دیگر انقلاب ایران خودآفرینی‌های نیروی اجتماعی انتظار بود.

در واقع، مفهوم مرکزی در سراسر تاریخ ایران یا نیروی نهفته تاریخ ایران، شوق دیدار شاه (انسان کامل) و آرام‌گرفتن در جوار اوست. تصور آن است که انتظار مواجعت با شاه، آفریننده تاریخ ایران و اصلاً آفریننده خود ایران است. پس، ما پیش از مسلمان شدن، شیعه بوده‌ایم. با انتظار شاه آرمانی، ایران از ابتدا

و همواره تجسّد تشیع بوده است؛ حتی قبل از ظهور تشیع. ایران حتی قبل از پدیداری تشیع مذهبی، تشیع قومی بوده است. شیعه شدن ایران بدیهی است؛ زیرا به سهولت قابل تصور است که تشیع دینی با تشیع قومی پیوند بیابد و یگانگی حاصل آید. امکان نداشت ایران شیعه شود، مگر آنکه از ابتدا، خود به نحوی شیعه بوده باشد. ایران اجتماعی است ناشی از قائم شدن تشیع مذهبی بر بستری از تشیع قومی و سپس امتزاج این دو در ناخودآگاه جمعی ایرانیان. در این صورت ایران همان تشیع است و تشیع (اسلام یا ایرانی که ما ایرانیان در ناخودآگاه خود حمل می‌کنیم) همان ایران؛ به عبارتی ایران حقیقی، نه همچون بخشی حساس از اسلام یا نه حتی جسم و کالبد اسلام، بلکه خود اسلام. در این زمان و مطابق با آتشفشان ۵۷ که به تأسیس ۵۸ انجامید، امام، تصریح و تعریف مفهوم شاه و بنابراین، کمال آن است و آن را از تیرگی و ابهام درآورده است. شاه همان امام در ایران باستان است؛ همان حجت یا سلطانی که در وجود یک فرد، متمثّل می‌شود و او را به آئینه تمام‌نمای حقیقت در سراسر زمین مبدل می‌گرداند. این کتاب می‌گوید جمهوری اسلامی حاصل پیوند دو متغیر مرکزی در ایران باستان است که متغیر سومی در حد این دو، در این تاریخ وجود ندارد؛ امام و آزادی (در معنای همان فردیت دیرمان ایرانی). و آزادی را امام آفرید؛ زیرا کارکرد او به عنوان قائم مقام خداوند بر زمین، جز فراروی و نفی‌ها در خدمت استعلا نیست. توکوایل در کتاب خاطراتش می‌گفت حتی کلمه خداوند آزادی بخش و رهاننده بشر از قیود اجتماعی فکری است.

نهایتاً خواهیم گفت که نظریه مبنایی جمهوری اسلامی، با وجود همه رسالت‌های جهانی که نظام همواره برای خود قائل بوده و اینک نیز قدرتمندانه بر آن پای می‌فشارد، همان نظریه مبنایی ایران است؛ هر دو نظریه از فرد واحدی سخن می‌گویند که ابتدا در خفتگی است و سپس برمی‌خیزد و پیش می‌رود؛ فردی که پنهان است و سپس، ناگهانی آشکار می‌شود.

اشاره

... که به خورشید رسیدیم و غبار آخر شد

خواستۀ رهبر معظم انقلاب و خواست عمومی آن است که به نظریه‌ای مبنایی و به درک عقلی جامع و فراگیری از نظام جمهوری اسلامی برسیم؛ چنان رسیدنی که حکمت نهفته درون امر فعلی، یعنی منطق عقلی (و نه نقلی) تاریخ چهل سالۀ جمهوری اسلامی، ابتدا کشف و سپس مفهوم‌سازی (برساخته) شود. این کاری است که هنوز انجام نشده است؛ هنوز دستگاه تبلیغاتی نظام بسی بیشتر از آنکه از خودش بگوید، از دگر خود (آمریکا، صهیونیسم، جهان اسلام، استکبار جهانی و...) می‌گوید. اما در اینجا، ما با آنکه می‌دانیم نظریه‌ای دربارهٔ جمهوری اسلامی لزوماً نظریهٔ جمهوری اسلامی نیست یا تمام آن نیست، می‌خواهیم ولو به‌طور نسبی در این کار موفق شویم! هدف، اثبات تجربی یا عقلی چیزی نیست، بلکه بین‌الادھانی ساختن نسبی یک فرضیۀ پساتجربه است؛ اینکه امامت ایرانی که قبل از امامت مذهبی وجود داشت، سازندۀ کلیت ایران است و امام، آغاز و پایان همهٔ فضایل ایرانی است.

انقلاب اسلامی برای پاگرفتن به فلسفه و فلاسفه نیازی نداشت؛ اما برای درک و تفسیرش چرا. بسیار (چیزها) دانستن از یک تحول، دانستن چیز بزرگ

درباره آن تحول نیست. چیز بزرگ رژیم جمهوری اسلامی چیست؟ نه فقط زندگی داشتن ایده شاه، بلکه زاینده‌گی آن، که حالا می‌فهمیم همان امامت بوده و همین است که باید تعقل شود.

بدیهی است که این گزارش متکی بر نتایج پژوهش‌های موردی و جزئی درباره تحولات تاریخ ایران نیست و در واقع چندان هم ممکن نیست که بتوانیم از سطح اطلاعات متعارف یک ایرانی معمولی درباره تحولات تاریخ کشورش فراتر رویم. پژوهش‌های تاریخی به فلسفه تاریخ راه نمی‌زنند. به گفته هگل، تنها درس تاریخ آن است که هیچ درسی نمی‌دهد. اما در این گزارش می‌خواهیم همان حد از آگاهی عمومی تاریخی را که تقریباً همگان داریم، مبنای بازاندیشی و تأمل درباره ایران (و جمهوری اسلامی) قرار دهیم. در واقع تأملات حاضر، مرحله‌ای ماقبل پژوهش تاریخی است.

آرون، از جامعه‌شناسان انتقاد می‌کند که آنان «از موضوعاتی سخن می‌گویند که بی‌وقفه درباره‌شان پژوهش می‌شود و هیچ‌گاه هم به نتیجه نمی‌رسند؛ مثل طبقه حاکم» (Aron, 1988: 164). چه ایراد دارد این بار پی موضوعی برویم که نه حتی تازه و بی‌سابقه، بلکه کمی متمایز و عجیب باشد؟! اما پرسش متمایز، پاسخ متمایزی دارد. هرکسی که با طرح پرسشی در انتظار شنیدن پاسخی متفاوت نباشد، در واقع پرسشی مطرح نکرده است.

پرسش: با این زمینه‌سازی، می‌خواهیم پیرسیم (یک پرسش مرکب) چگونه آنچه دلیل هستی ایران است، فلسفه زاینده جمهوری اسلامی ایران است؟ یا چگونه جمهوری اسلامی تحقق سیاسی آن فلسفه معنوی شهودی است که بنیاد هستی ایران است؟ دانش به چنین پرسشی، دانشی غیرمتعارف اما ضروری است. کسی که نداند یک چیز بر چه مبنایی به وجود آمده، نمی‌تواند تحولات بعدی آن چیز را درک کند. دانستن دلیل هستی ایران، دشوار اما ناگزیر است؛ زیرا تداوم یک کشور فقط در دلیل نخستین حدوث آن

نهفته است؛ دلیل نخستین، مبنای تحلیل‌های اساسی و مهم‌تر از دنباله‌های خود است. اصل یا دلیل نخستین، از قبل، بالقوه حاوی همه چیز است و همه چیز را تابع خود می‌سازد. امر مبنایی ممکن می‌گرداند؛ جا و مکان تعیین می‌کند، بسط و گسترش می‌دهد، حدومرز تعیین می‌کند، بر معرفت حدومرز می‌گذارد، مجال معرفت را فراهم می‌آورد. مبنای شرط است و شرط آن چیزی است که ممکن می‌گرداند (آدورنو، ۱۳۹۵: ۳ و ۵۴-۵۶). باین حال، مطابق رهیافت ارسطویی، امر مبنایی مهم‌تر از نتیجه پایانی خود نیست. نتیجه و نهایت هرچیزی کمال آن چیز است و از همین رو، هم از آغاز خود و هم از تداوم خود پرمعناتر و عظیم‌تر است. جمهوری اسلامی (و کمی تحلیلی‌تر، جمهوری امامت ایرانی) از تاریخ ایران مهم‌تر است؛ همچنان‌که میوه از هسته و دستاورد از روند. نتیجه حیات تاریخی ایران از خود ایران بزرگ، بزرگ‌تر است. در واقع، فرضی که می‌کوشیم آن را مشترک و بین‌الذلهانی سازیم این است که ایران در سراسر تاریخ خود به وجود نرسیده بود تا آنکه امام را یا شاه خود را دید.

مسئله پژوهش: درک جمهوری اسلامی در متن فلسفه‌ای از تاریخ ایران، یک ترجیح ایدئولوژیک یا عقیده شخصی یا تأثیرپذیری از مدهای فکری زمانه نیست؛ بلکه درک فلسفی تاریخی از جمهوری اسلامی (و این مسئله و دغدغه پژوهش است)، نه حتی مفید، که ناگزیر و فرمان عقل است؛ چه اینکه بدون استظهار به چنین فلسفه‌ای، جمهوری اسلامی واقعیتی ناقص و ناتمام و ناندیشیده و بدون ریشه عینی (یعنی دچار مشکل در درک ریشه‌های عینی) است و بنابراین، در عمق، آسیب‌پذیر. پس، اگر قول وایتهد را بپذیریم که اصولاً فلسفه تلاش برای عقلانی‌کردن کامل تجربه انسانی است، پیوند بین جمهوری اسلامی و فلسفه تاریخ ایران یا دست‌کم فلسفه‌ای از تاریخ ایران، ناگزیر است.

مفروضات: چند مفروض عقلی و تاریخی وجود دارد؛ مفروضات عقلی آن است که «هر اندیشهٔ سیاسی اساساً بر پایهٔ قضاوت و داوری استوار است» (آرنت، ۱۳۹۱: ۳۷۱) یا به عبارتی، «ما با تفسیر و تعبیر می‌شناسیم» (دیوی، ۱۳۶۹: مقدمهٔ مترجم). دیگر آنکه تلاش برای تبیین چیزی، پیشاپیش توجیه آن چیز است (بدیو و نانس، ۱۴۰۰: ۳۲). تبیین بی‌طرفانهٔ فعل انسانی ناممکن است؛ باید خوشت بیاید یا بدت بیاید تا به چیزی نظر مؤثر بیندازی. به گفتهٔ آرون، عشق و نفرت نیروهای حقیقی تفهم هستند (نقل از: وبر، ۱۳۶۸: ۶). مفروض عقلی دیگر آن است که مفهوم مبنا فقط به‌عنوان دلیل کافی برای وقایع و تحولات به کار نمی‌آید، بلکه نقطهٔ عزیمت فلسفی نیز است (دلوز، ۱۴۰۱: مقدمهٔ مترجم).

اولین مفروض تاریخی آن است که تاریخ یا فرهنگ ایران بود که به امام خمینی و انقلاب ایران اجازهٔ ظهور داد و آن را ممکن و بلکه ایجاب کرد و تصویری غیر این، معقول نیست. تقدم زمانی فرهنگ ایران بر انقلاب ایران، گونه‌ای تقدم محتوایی است، یعنی خاصاتی از فرهنگ ایرانی به انقلاب ایران انتقال یافت و پذیرش این نیز ناگزیر و عقلی است. دوم آنکه، به گفتهٔ هگل، هیچ حقیقت قومی طی زمان هرگز از دست نمی‌رود و هر مرحلهٔ تاریخی، فضیلت‌ها و خردمندی‌های سده‌های گذشته را در خود دارد. مفروض تاریخی دیگر، این عقیدهٔ ولتر، برک و شماری از فلاسفهٔ دیگر است که ملت اصولاً باید دینی داشته باشد و مصبوغ به آن باشد (ولتر، ۱۳۹۵: ۳۲).

فرضیه: بر مبنای مفروضات بالا می‌خواهیم این گمانه (فرضیه) را تقویت کنیم که نظریهٔ مبنایی جمهوری اسلامی آن است که به‌دلیل حاکمیت امام، این دولت در ذات خود، عبارت است از: گسست از رذیلت مرکزی تاریخ معاصر ایران (ناایرانیت) و پیوست به فضیلت مرکزی تاریخ باستانی ایران (شوق دولت مقدس یا حتی سیاست مقدس) است. پیوند قدسیت و سیاست در کنار ایدهٔ دولت جهانی ایده‌ای کاملاً ایرانی است؛ زیرا از آنجا شروع شد (از جمله نک: گاست، ۱۳۸۷: ۱۳۹).